

ادامه امر سوّم

بیان شد که قائلین به دلالت امر بر مرّه و قائلین به دلالت آن بر تکرار، سعی نموده اند اموری را به عنوان قرائن عامّه و ادله خارجیه برای اثبات مدّعی خود ذکر نمایند. مهمترین دلیل و قرینه عامّه قائلین به تکرار، «مقایسه امر به نهی در جهت دلالت» بود که به سه وجه تقریب گردید و مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در ادامه به بیان دوّمین دلیل و قرینه عامّه قائلین به تکرار و نقد و بررسی آن و همچنین بیان امر چهارم، یعنی مسأله «الامثال بعد الامثال» خواهیم پرداخت.

دلیل دوّم قائلین به تکرار

وجوب تکرار اکثر فروع شرعیّه، مثل صوم در هر سال و نماز در هر روز، قرینه ای است بر آنکه هر امری، مشعر به تکرار متعلّق خود می باشد، مگر اینکه با دلیل خارجی، مطلوبیّت مأمور به، به صورت مرّه واحده ثابت شده باشد.

پاسخ استاد معظم

تکرار این اعمال از آن جهت نیست که امر بما هو امر، مقتضی تکرار می باشد، بلکه به جهت وجود دلیل خارجی لفظی و یا لبی مثل سیره در مورد این اعمال می باشد که مطلوبیّت تکرار آنها را در هر سال و یا در هر روز، ثابت می نماید. نا گفته نماند که قرائن خارجیه دیگری نیز نسبت به دلالت اوامر بر تکرار مطرح شده است که بطلان آنها بسیار واضح بوده و لذا نیازی به بیان و نقد و بررسی آنها نمی باشد.

نتیجه نهایی

در میان اقوال علما در امر سوّم، نظریّه صحیح، نظریّه چهارم می باشد، یعنی اینکه صیغه امر، نه بالوضع و نه بالظهور و نه به کمک قرائن عامّه، هیچ دلالتی بر مرّه و تکرار نداشته و اثبات اراده هر کدام در خصوص موردی، نیازمند دلیل خاصّ می باشد.

امر چهارم: الامثال بعد الامثال

نتیجه مباحثی که تا کنون بیان شد آن است که اگر امری از مولی صادر شده و بر اراده وحدت ایجاد یا وحدت وجودی، قرینه ای وجود داشته باشد، باید در جهت امثال امر، به مرّه واحده اکتفا شود و تکرار، در فرضی مضرّ و در فرضی دیگر مستلزم بدعت می باشد، مثل تیمّم که در ادله مشروعیّت آن، قید مرّه واحده در مسح اعضا وارد شده است؛

و اگر بر اراده تعدّد ایجاد یا تعدّد وجودی، قرینه ای وجود داشته باشد، چنانچه مقدار تعدّد یا تکرار، معین شده، به همان مقدار باید مأمور به تکرار شود مثل خصال کفّاره و در غیر این صورت، مکلف باید مأمور به را به مقداری که عرفاً توان دارد، تکرار نماید؛

و اما اگر هیچ قرینه ای بر اراده مرّة واحدة و یا اراده تعدّد و تکرّر وجود نداشته باشد، یقیناً با اولین ایجاد مأمور به، ذیل یک فرد یا چند فرد، امثال امر صورت گرفته و تکرار ایجاد این مأمور به، لازم نخواهد بود.

انّما الکلام در آن است که آیا در مثل چنین امری که مرّة واحدة، قید اتیان و مأتی به نیست، اگر مکلف بخواهد چند امثال پی در پی انجام دهد و یا بخواهد امثال انجام گرفته را به امثال جدیدی که فرضاً بهتر از امثال سابق است، تبدیل نماید و یا با امثال دیگری که با تعداد بیشتری از وجودات در یک ایجاد می باشد، تبدیل نماید، آیا امکان چنین تبدیلی وجود دارد یا آنکه امکان چنین تبدیلی موجود نیست و امثال بعد از امثال، شرعاً معقول نمی باشد؟

از همین جا روشن می شود که بحث از جواز و عدم جواز امثال بعد از امثال، در باره تکرار به معنای تعدّد و ایجاد های پی در پی مطرح است، نه در تکرار به معنای تکرّر و وجود های گوناگون در یک زمان واحد. چون امثال اول، همانطور که با ایجاد عمل ذیل یک موجود تحقق می یابد، با ایجاد آن عمل ذیل چند موجود نیز قابل تحقق است.

و همچنین روشن می شود که محلّ بحث در ما نحن فیه، دو موضوع مستقلّ است، یکی اینکه آیا تعدّد امثال ممکن است یا خیر؟ و دیگر آنکه آیا تبدیل امثالی به امثال دیگر ممکن است یا خیر؟ و این دو موضوع، هر چند در مثل کلام محقق خراسانی^۱ «رحمة الله علیه» وجود دارد، و لکن از یکدیگر تفکیک نشده است، بلکه ایشان در مقام طرح بحث، موضوع تعدّد امثال را مطرح می نماید و در مقام تحقیق مطلب، موضوع تبدیل امثال را مطرح کرده اند.

اما مرحوم شهید صدر^۲ این دو موضوع را به تبع محقق اصفهانی^۳ «رحمة الله علیه» در حاشیه نهایة الدراية از یکدیگر تفکیک نموده و هر کدام را جداگانه مورد بحث قرار می دهند و همین شیوه صحیح به نظر می رسد. لذا بحث در دو مرحله تعقیب می گردد: مرحله اول تعدّد الامثال و مرحله دوم تبدیل الامثال و سیّاتی مباحثه تفصیلاً ان شاء الله.

۱- ایشان در کفایة الاصول، صفحه ۷۹ ابتدا می فرمایند: «لا إشکال بناء على القول بالمرّة في الامتثال، و أنّه لا مجال للإتيان بالمأمور به ثانياً على أن يكون أيضاً به الامتثال، فإنّه من الامتثال بعد الامتثال» و بعد از بررسی بحث از تعدّد الامتثال مطابق با مبنای خود، در پایان به بحث از تبدیل الامتثال اشاره کرده و می فرمایند: «فلا يبعد صحّة تبدیل الامتثال بإتيان فرد آخر أحسن منه، بل مطلقاً، كما كان له ذلك قبله على ما يأتي بيانه في الإجزاء».

۲- ایشان در بحوث فی علم الاصول، تقریرات مرحوم عبد الساتر، جلد ۴، صفحه ۳۶۹ ابتدا می فرمایند: «الأمر الثامن تعدد الامتثال أو تبديله» و سپس مسأله تعدّد امثال و تبدیل امثال را به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می دهند.

۳- نهایة الدراية فی شرح الکفایة، جلد ۱، صفحه ۳۶۰ و ۳۶۱.